

The Formation of Iranian Maritime Culture in the Sasanian-Islamic Transition: A Study of 'Active Adaptation' in Nutrition and Medicine

Khezri, Seyed Ahmad Reza¹, Soleymani, Meysam²

1. Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
2. PhD student in History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 2023/12/17

Received in revised form: 2024/01/16

Accepted: 2024/02/02

Published: 2024/03/20

Abstract

This article examines the mechanisms of cultural transformation within Iranian maritime communities during the transition from the Sasanian to the Islamic era—a context often overlooked in land-centric historiographies focused on centers of power. The present study posits the hypothesis that in confronting political and religious transformations, these communities neither underwent a civilizational rupture nor merely continued prior traditions, but rather employed a complex process of 'active adaptation'. This process involved the strategic preservation of material and practical knowledge based on ecological imperatives (such as diet and shipbuilding technology) while creatively reconfiguring symbolic and ideological frameworks (such as rituals and medical concepts) to align with the new Islamic socio-political order. Drawing on the method of comparative-historical analysis and integrating textual sources (Pahlavi texts, travelogues, and Islamic medical treatises) with archaeological evidence (particularly from the site of Siraf), this research demonstrates that in the domain of nutrition, the sustainable pattern of fish and date consumption persisted alongside the symbolic transformation of dietary rituals. In the field of medicine, the Sasanian pharmacological tradition blended with Galenic humoral theory and maritime empirical knowledge. By presenting the model of 'active adaptation,' this article challenges the analytical dichotomies of 'rupture' and 'continuity' and proposes a more nuanced framework for understanding civilizational transitions, especially in non-elite and peripheral societies.

Keywords: Iranian Seafaring, Sasanian-Islamic Transition, Cultural History, Medical History, History of Nutrition, Siraf.

Cite as: The Formation of Iranian Maritime Culture in the Sasanian-Islamic Transition: A Study of 'Active Adaptation' in Nutrition and Medicine. Iranian History of Culture. 2024; 1(1): 217-234

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2025.68736.1083

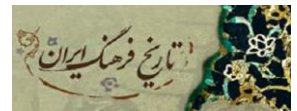
²- Corresponding Author:

soleymani.meysam@ut.ac.ir



Copyright ©The authors

Publisher: University of Tabriz



تکوین فرهنگ دریانوردی ایرانی در گذار ساسانی-اسلامی: مطالعه‌ای در باب

«تطبيق فعالانه» در تغذیه و پزشکی

سید احمدرضا خضری^۱، میثم سلیمانی^۲

۱. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

این مقاله به بررسی سازوکارهای تحول فرهنگی در جوامع دریانورد ایرانی در دوره گذار از عصر ساسانی به دوران اسلامی می‌پردازد؛ بستری که غالباً در تاریخ‌نگاری‌های خشکی‌محور و متمرکز بر مراکز قدرت نادیده گرفته شده است. پژوهش حاضر این فرضیه را مطرح می‌کند که این جوامع در مواجهه با دگرگونی‌های سیاسی و دینی، نه دستخوش گسست تمدنی شدند و نه صرفاً به تداوم سنت‌های پیشین پرداختند، بلکه فرآیندی پیچیده از «تطبيق فعالانه» را به کار گرفتند. این فرآیند شامل حفظ راهبردی دانش مادی و عملی مبتنی بر الزامات اکولوژیک (مانند رژیم غذایی و فناوری کشتی‌سازی) و در عین حال، بازآرایی خلاقانه چارچوب‌های نمادین و ایدئولوژیک (مانند آیین‌ها و انگاره‌های پزشکی) برای انطباق با نظم اجتماعی-سیاسی نوین اسلامی بود. این پژوهش با اتکا به روش تحلیل تطبیقی-تاریخی و با تلفیق منابع متنی (متون پهلوی، سفرنامه‌ها و رساله‌های پزشکی اسلامی) و شواهد باستان‌شناختی (به‌ویژه از محوطه سیراف)، نشان می‌دهد که در حوزه تغذیه، الگوی پایدار مصرف ماهی و خرما در کنار تحول نمادین آیین‌های غذایی تداوم یافت و در حوزه پزشکی، سنت داروشناسی ساسانی با نظریه اخلاط جالینوسی و دانش تجربی دریایی درآمیخت. این مقاله با ارائه الگوی «تطبيق فعالانه»، دوگانه‌های تحلیلی «گسست» و «تداوم» را به چالش می‌کشد و چارچوبی ظریف‌تر برای فهم گذارهای تمدنی، به‌ویژه در جوامع غیرنخبه و پیرامونی، پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: دریانوردی ایرانی، گذار ساسانی-اسلامی، تاریخ فرهنگی، تاریخ پزشکی، تاریخ تغذیه، سیراف.

نحوه ارجاع: سید احمدرضا خضری، میثم سلیمانی. (۱۴۰۳). تکوین فرهنگ دریانوردی ایرانی در گذار ساسانی-اسلامی: مطالعه‌ای در باب «تطبيق

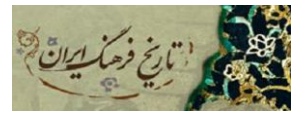
فعالانه» در تغذیه و پزشکی. تاریخ فرهنگ ایران ۱(۱): ۲۱۷-۲۳۴

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۳۰۶۰-۸۰۶۶

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.68736.1083



مقدمه

تاریخ‌نگاری گذار از عصر ساسانی به دوران اسلامی، غالباً روایتی متمرکز بر مراکز قدرت سیاسی در فلات ایران بوده است. این روایت که بر دگرگونی‌های بنیادین در ساختار دولت، دین رسمی و نخبگان حاکم تأکید می‌ورزد، این گذار را عمدتاً به‌مثابه یک گسست تمدنی به تصویر می‌کشد که در آن ساختارهای کهن ساسانی در برابر نیروی فاتح عرب فروپاشیده و پارادایم نوینی جایگزین آن شده است. این دیدگاه هرچند برای فهم تحولات در پایتخت‌ها و مراکز اداری امپراتوری‌ها کارآمد است، اما در تبیین پویایی‌های جوامع حاشیه‌ای و به‌ویژه جهان دریایی ایران با کاستی‌های جدی مواجه می‌شود. تمرکز بر فلات، تصویری ناقص از تحول تمدنی ایران ارائه می‌دهد، زیرا آزمون واقعی دگرگونی یک تمدن، نه در مراکز قدرت، که در حاشیه‌های آن، یعنی جایی که ساختارهای زندگی روزمره با واقعیت‌های سخت محیطی و شبکه‌های فراملی در هم تنیده‌اند، رخ می‌دهد.

شواهد تاریخی و باستان‌شناختی نشان می‌دهد که با سقوط شاهنشاهی ساسانی، مراکز تجاری مهمی چون سیراف نه‌تنها از رونق نیفتادند، بلکه به کانون‌های اصلی تجارت در شبکه گسترده اقیانوس هند بدل شدند. این تداوم و شکوفایی حیات اقتصادی و فرهنگی که در تضاد آشکار با الگوی گسست قرار می‌گیرد، پرسش بنیادین این پژوهش را شکل می‌دهد:

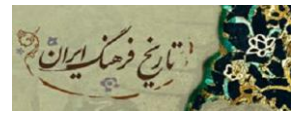
سازوکارهای فرهنگی مشخصی که به جوامع ساحلی ایران امکان داد تا در بحبوحه یک دگرگونی عظیم سیاسی، نه‌تنها بقای خود را تضمین کنند، بلکه به کنشگرانی فعال در عرصه تبادلات جهانی بدل شوند، چه بودند؟

این پژوهش استدلال می‌کند که پاسخ در مفهومی نهفته است که می‌توان آن را «تطبیق فعالانه» نامید. این مفهوم، فرآیندی دو لایه و ناهمگون را توصیف می‌کند که جوامع دریانورد ایرانی برای مدیریت این گذار به کار گرفتند:

۱. **تاب‌آوری مادی و عملکردی:** حفظ آگاهانه و راهبردی شیوه‌های عمیقاً ریشه‌دار و آزموده‌شده‌ای که با الزامات اکولوژیک خلیج فارس پیوند خورده و برای بقا و تجارت حیاتی بودند. این لایه شامل عناصری چون رژیم غذایی، فناوری‌های دریانوردی و دانش نوبری می‌شد.

۲. **بازآرایی نمادین و ایدئولوژیک:** بازتفسیر خلاقانه و عمل‌گرایانه آیین‌ها، باورها و دانش نظری برای هماهنگی با چارچوب فرهنگی مسلط اسلامی. این لایه شامل دگرگونی در مناسک دینی، مفاهیم پزشکی و هنجارهای اجتماعی بود.

این مقاله با تمرکز بر دو حوزه انضمامی و حیاتی زندگی روزمره - فرهنگ تغذیه و دانش پزشکی - در پی آن است تا نشان دهد که چگونه این جوامع گذار تمدنی را نه به‌صورت انفعالی، بلکه از طریق فرآیندی هوشمندانه مدیریت کردند. این رویکرد، چارچوب‌های تحلیلی مبتنی بر دولت-ملت را به چالش می‌کشد و به‌جای تاریخ یک واحد سیاسی محصور، تاریخ شبکه‌ها، جریان‌ها و هویت‌های سیال و فراملی را در مرکز توجه قرار می‌دهد. در ادامه، ابتدا به پیشینه و چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود، سپس بنیادهای اکولوژیک و فناورانه حیات دریایی تحلیل می‌گردد و در نهایت، دو مطالعه موردی در باب تغذیه و پزشکی، الگوی تطبیق فعالانه را به‌تفصیل روشن می‌سازند.



۲. پیشینه پژوهش

این پژوهش در نقطه تلاقی چهار جریان اصلی مطالعاتی قرار گرفته و ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای هر یک، در صدد است تا با ارائه یک سنتز نوین، از محدودیت‌های آن‌ها فراتر رود. این بخش، ابتدا جایگاه تحقیق را در مباحث کلیدی تاریخ‌نگاری مشخص کرده و سپس چارچوب نظری ترکیبی خود را معرفی می‌کند.

جهان اقیانوس هند: مطالعات مدرن در باب تاریخ اقیانوس هند به‌طور گسترده‌ای مدیون آثار بنیان‌گذارانی چون کی.ان. چودھاری است. اثر کلاسیک او، تجارت و تمدن در اقیانوس هند (۱۹۸۵)، با تحلیل ساختارهای کلان اقتصادی، الگوهای بادهای موسمی و نقش بنادر بزرگ، چارچوبی ضروری برای فهم این جهان به‌هم‌پیوسته فراهم آورد. همان‌گونه که فرنان برودل^۱ (۱۹۷۲) مدیترانه را به‌عنوان یک بازیگر تاریخی تحلیل کرد، چودھاری نیز اقیانوس هند را یک فضای اقتصادی یکپارچه با منطق درونی خاص خود معرفی نمود. با این حال، این رویکرد کلان‌نگر و اقتصادمحور، علی‌رغم اهمیتش، ابعاد فرهنگی، فناوری و علمی تبادلات را نادیده می‌گیرد. پژوهش حاضر ضمن پذیرش چارچوب کلان چودھاری، مقیاس تحلیل را از سطح ساختارهای اقتصادی به سطح خرد، یعنی شیوه‌های زندگی دریانوردان، منتقل می‌کند و نشان می‌دهد که تجارت صرفاً تبادل کالا نبود، بلکه تبادل فشرده دانش و فرهنگ بود.

باستان‌شناسی خلیج فارس: شواهد مادی این پژوهش عمدتاً بر دستاوردهای باستان‌شناسی خلیج فارس، به‌ویژه کاوش‌های بندر سیراف، استوار است. کارهای پیشگامانه دیوید وایت‌هوس^۲ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، تصویری بی‌نظیر از یک کلان‌شهر بندری در دوران گذار ساسانی-اسلامی ارائه داد. پژوهش‌های جدیدتر، مانند تحلیل‌های سرامیک‌شناختی ست پرستمن^۳ (۲۰۲۱) و مطالعات ژئوشیمیایی بر روی خمره‌های اژدری که منشأ قیر آن‌ها را به خوزستان مرتبط می‌سازد، شبکه‌های تجاری داخلی و فناوری‌های بومی را روشن‌تر کرده‌اند. با این وجود، یافته‌های این پژوهش‌های ارزشمند اغلب به‌صورت گزارش‌های فنی و پراکنده باقی مانده‌اند. سهم اصلی پژوهش حاضر، سنتز و تفسیر این داده‌های باستان‌شناختی در یک چارچوب منسجم تاریخی-فرهنگی است.

گذار ساسانی-اسلامی: مباحث مربوط به تحول ایران پس از اسلام اغلب در چارچوب تقابل میان دو دیدگاه متضاد محبوس مانده است: نظریه «گسست مطلق» که بر نابودی تمدن ساسانی و جایگزینی آن با فرهنگ اسلامی تأکید دارد (مانند رویکرد مارشال هاجسن^۴ (۱۹۷۴))، و نظریه «استمرار فرهنگی» که بر تداوم روح و ساختارهای ایرانی در کالبدی جدید اصرار می‌ورزد (مانند آثار شاپور شهبازی (۲۰۰۲)). این پژوهش با ارائه مدل «تطبیق فعالانه»، این بن‌بست نظری را می‌شکند و نشان می‌دهد که چگونه تداوم و گسست می‌توانند به‌طور هم‌زمان و در یک فرآیند واحد رخ دهند.

¹ Chaudhuri, K. N.

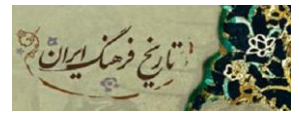
² Braudel, F.

³ Whitehouse, D.

⁴ Priestman, S.

⁵ Hodgson, M. G. S.





تاریخ علم و پزشکی: تاریخ‌نگاری علم و پزشکی در تمدن اسلامی به‌درستی بر نقش محوری مراکز علمی چون دانشگاه و بیمارستان جندی‌شاپور تأکید کرده است، چنان‌که در آثار سیریل الگود^۱ (۱۹۵۱) و دیمیتری گوتاس^۲ (۱۹۹۸) بازتاب یافته است. این مراکز کانون اصلی تلفیق سنت‌های پزشکی یونانی، ایرانی و هندی بودند. با این حال، روایت غالب در این حوزه، روایتی مرکز-محور و نخبه‌گرایانه است که مسیر دانش را به‌صورت خطی از یک مرکز بزرگ (جندی‌شاپور) به مرکزی دیگر (بغداد) ترسیم می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر دانش عملی و تجربی دریانوردان، روایتی از «پایین به بالا» و شبکه‌محور از تاریخ علم ارائه می‌دهد که مکمل روایت‌های مرکز-محور سنتی است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش برای تحلیل داده‌های پیچیده خود، از یک چارچوب نظری ترکیبی بهره می‌برد که مفاهیمی را از جامعه‌شناسی تاریخی و مطالعات فرهنگی وام می‌گیرد.

مقاومت فرهنگی و عاملیت: برای فهم کنشگری جوامع دریایی، از نظریه «سلاح‌های ضعفا» یا مقاومت روزمره جیمز سی. اسکات^۳ (۱۹۸۵) بهره برده می‌شود. اسکات نشان می‌دهد که گروه‌های فرودست چگونه از طریق شیوه‌های به‌ظاهر غیرسیاسی و روزمره، مانند حفظ الگوهای مصرف غذا، در برابر فشارهای ایدئولوژیک قدرت‌های حاکم مقاومت می‌کنند. در این پژوهش، تداوم الگوی تغذیه‌ای مبتنی بر ماهی و خرما، یا اصرار بر مصرف غذاهای دریایی «مکروه» مانند کوسه، نه صرفاً به‌عنوان یک عادت، بلکه به‌عنوان شکلی از مقاومت عملی تفسیر می‌شود که منطبق زیستی و تجربه زیسته را بر گفتمان‌های دینی نخبگان اولویت می‌بخشد.

سنتز فرهنگی و دورگه‌شدگی: برای تحلیل اشکال فرهنگی جدیدی که در این منطقه تماس ظهور کردند، از مفاهیم «امتزاج فرهنگی» و «دورگه‌شدگی» در مطالعات فرهنگی، به‌ویژه آثار استوارت هال^۴ (۱۹۹۰)، استفاده می‌شود. این مفاهیم به ما اجازه می‌دهند تا فرهنگ‌های بندری خلیج فارس را نه به‌عنوان ترکیبی ساده از عناصر ایرانی، عربی و هندی، بلکه به‌عنوان یک «فضای سوم» خلاقانه تحلیل کنیم که در آن هویت‌های نوینی تولید شده است. زبان فارسی-عربی بندری یا آمیزش سنت‌های آشپزی ایرانی و هندی، نمونه‌هایی از این امتزاج هستند.

روش تطبیقی-تاریخی: اساس روش‌شناختی این تحقیق، رویکرد جامعه‌شناسی تطبیقی-تاریخی است که تداوم اسکاچیل^۵ (۱۹۷۹) آن را توسعه داده است. این روش با مقایسه نظام‌مند دو دوره ساسانی و اسلامی در لایه‌های تحلیلی مشخص (مادی، نمادین و عملکردی)، امکان شناسایی دقیق الگوهای تداوم و گسست و تبیین علل ساختاری آن‌ها را فراهم می‌آورد. این رویکرد، تحقیق را از سطح توصیف روایی فراتر برده و به سطح تحلیل علی نزدیک می‌کند. با تلفیق این

¹ Elgood, C.

² Gutas, D.

³ Scott, J. C.

⁴ Hybridity

⁵ Hall, S.

⁶ Third Space

⁷ Skocpol, T.



چارچوب‌های نظری، مقاله از یک گردآوری صرف داده‌ها فراتر رفته و به تحلیلی عمیق از فرآیند گذار تمدنی در جهان دریایی ایران نائل می‌شود.

۴. بنیاد پایدار: بوم‌شناسی و فناوری در خلیج فارس

پیش از پرداختن به ابعاد فرهنگی تغذیه و پزشکی، لازم است بنیاد مادی و فناورانه‌ای که این فرهنگ بر آن استوار بود، تحلیل شود. این بخش استدلال می‌کند که بوم‌شناسی منحصر به فرد خلیج فارس، مجموعه‌ای از الزامات غیرقابل مذاکره را بر جوامع ساحلی تحمیل می‌کرد که به شکل‌گیری فرهنگی مادی و عملی با تاب‌آوری بالا انجامید. این فرهنگ مادی، لنگرگاه تداوم در دوران گذار بود.

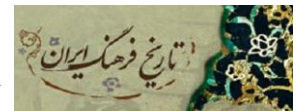
الزامات محیطی

خلیج فارس بیش از یک آبراه تجاری، یک سیستم زیستی پویا بود که اقتصاد، فرهنگ و فناوری دریانوردی ایرانی را در هم می‌تنید (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۷). رودخانه‌های مهمی مانند طاب (جراحی) و اروند، فلات ایران را به پهنه آبی خلیج فارس پیوند می‌زدند و امکان دادوستد محصولات کشاورزی سرزمین‌های داخلی با کالاهای شبکه تجاری اقیانوس هند را فراهم می‌کردند (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۳۷؛ لسترنج، ۱۳۷۳: ۲۶۵). بادهای موسمی نیز نقشی تعیین‌کننده در ریتم زندگی دریانوردان داشتند. این بادهای فصلی، زمان سفرها، تجارت و حتی مهاجرت‌های فصلی را تنظیم می‌کردند. دریانوردان ایرانی، به‌عنوان کنشگرانی ماهر، با شناخت عمیق از این الگوها، سفرهای خود را با آن هماهنگ می‌کردند و از نیروی طبیعت برای پیشبرد اهداف تجاری خود بهره می‌جستند (Pearson, 2003: 139). این دانش اکولوژیک، سرمایه‌ای حیاتی بود که در گذار سیاسی از ساسانیان به اسلام، ارزش خود را از دست نداد.

تداوم در فناوری دریایی

در عرصه فناوری دریایی، دریانوردان ایرانی دانشی انباشته و سازگار با محیط را به نمایش گذاشتند که هسته آن در طول دوران گذار حفظ شد.

کشتی‌سازی: انتخاب چوب ساج هندی برای ساخت بدنه کشتی‌ها، که در متون تاریخی مانند تاریخ طبری به آن اشاره شده، تصمیمی هوشمندانه و مبتنی بر شناخت عمیق از مقاومت این چوب در برابر آفات دریایی مانند کرم کشتی بود (طبری، ۱۹۸۷: ۳). با این حال، شواهد نشان‌دهنده یک تحول فناورانه مهم در دوره اسلامی است: جایگزینی میخ‌های فلزی (مسی یا آهنی) با بست‌های ساخته‌شده از الیاف گیاهی (پوست نارگیل) که در روش موسوم به «سیرافی» به کار می‌رفت (نشأت، ۱۳۴۴: ج ۱/۱۳). این تغییر، نه نشانه انحطاط، بلکه پاسخی خلاقانه به کمبود یا گرانی فلز در آن دوران بود. این روش، بدنه کشتی را انعطاف‌پذیرتر می‌کرد و مقاومت آن را در برابر امواج افزایش می‌داد. این تطبیق فناورانه که با یافته‌های



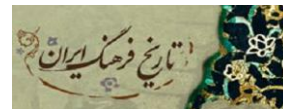
باستان‌شناسی سیراف نیز تأیید شده (Priestman, 2021: 19)، نشان می‌دهد که محدودیت منابع، محرک نوآوری بوده است.

ناوبری: دانش ستاره‌شناسی که در دوره ساسانی بر پایه کیهان‌شناسی زروانی استوار بود، هسته تجربی خود را در دوره اسلامی حفظ کرد، اما ابزارهای آن تکامل یافت. دریانوردان ایرانی با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی تمدن اسلامی، ابزارهای دقیق‌تری مانند اسطرلاب را که در مراکز چون سیراف ساخته می‌شد، به کار گرفتند (King, 2004: 69). این دانش فنی در قالب «راهنامه‌ها» یا کتاب‌های راهنمای دریایی مدون و منتقل می‌شد. بنابراین، شاهد گسست در دانش نیستیم، بلکه تکامل ابزاری بر پایه یک دانش تجربی موجود را مشاهده می‌کنیم (Daryaee, 2003: 26).

جدول زیر، این تداوم عملکردی را در چند حوزه کلیدی به‌طور خلاصه نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای بنیادین حیات دریایی، با وجود تغییر در ابزارها و نهادها، کارکردهای اصلی خود را حفظ کردند.

منبع	سازوکار تداوم/تغییر	دوره اسلامی	دوره ساسانی	عنصر
Daryaee (2003: 26); King (2004: 69)	تکامل ابزاری بر پایه دانش تجربی موجود	استفاده از اسطرلاب‌های دقیق	ستاره‌شناسی مبتنی بر کیهان‌شناسی زروانی	ناوبری
al-Tabari (1987: 3); Priestman (2021: 19)	تطبیق فناورانه با محدودیت منابع	استفاده از چوب‌های بومی و بست‌های الیافی (سیرافی)	استفاده از چوب ساج وارداتی و میخ‌های فلزی	کشتی‌سازی
Tafazzoli (2000: 36); Goitein (1967: 23)	نهادینه‌سازی و گسترش سازوکارهای اعتباری	استفاده از صک (چک) و وقف‌های تجاری	قراردادهای شفاهی و اسناد به خط پهلوی	ابزارهای تجاری

این بنیاد مادی و فناورانه پایدار، بستری را فراهم آورد که بر روی آن، تحولات فرهنگی پیچیده‌تری در حوزه‌های تغذیه و پزشکی رخ دهد.



۵. رژیم غذایی دریانوردان: تداوم مادی و بازآرایی نمادین

فرهنگ غذایی دریانوردان ایرانی، نمونه‌ای برجسته از الگوی تطبیق فعالانه است که در آن، لایه مادی و عملکردی با تاب‌آوری بالا حفظ شده، در حالی که لایه نمادین و آیینی دستخوش بازآرایی عمیقی شده است. این بخش، این فرآیند دوگانه را تحلیل می‌کند.

۵.۱. الزام اکولوژیک: ماهی و خرما به عنوان ثابت‌های مادی

در قلب نظام تغذیه‌ای جوامع ساحلی خلیج فارس، دو عنصر ثابت قرار داشت: ماهی و خرما. این دو ماده غذایی، نه از روی انتخاب، بلکه بر اساس الزام اکولوژیک، ستون فقرات رژیم غذایی را تشکیل می‌دادند.

ماهی، منبع اصلی و قابل‌اتکای پروتئین بود. با توجه به محدودیت‌های دامپروری در سواحل گرم و خشک، دریا به منبع اصلی تأمین پروتئین بدل شده بود. اهمیت این منبع غذایی به حدی بود که فناوری‌های پیچیده‌ای برای حفظ و انبارش آن توسعه یافت. فنون خشک‌کردن و نمک‌سود کردن، که شواهد آن هم در متون کهن زرتشتی مانند وندیداد (۱۳۶۰: ۳/۱۲) و هم در آثار جغرافی‌دانان مسلمان چون قزوینی (۱۳۷۳: ۱۲۴) یافت می‌شود، تداوم یک دانش انباشته را نشان می‌دهد. این تکنیک‌ها، که برای حفظ ارزش غذایی مواد در سفرهای طولانی دریایی حیاتی بودند، نمونه‌ای از دانش عملی هستند که از تغییرات سیاسی و دینی مصون ماندند. کاوش‌های باستان‌شناسی در جزیره کیش، کوره‌های نمک‌گیری با ظرفیت تولید بالا را آشکار کرده (Petrovsky, 2005: 68) که نشان‌دهنده تولید صنعتی نمک برای این منظور بوده است.

خرما نیز نقش مکمل و حیاتی را ایفا می‌کرد. این میوه، منبعی ارزان، در دسترس و سرشار از انرژی (کربوهیدرات) بود که برای تأمین کالری مورد نیاز دریانوردان در سفرهای طاقت‌فرسا ضروری بود. اهمیت اقتصادی و اجتماعی نخلستان‌ها به حدی بود که به سرمایه‌ای نمادین تبدیل شدند. سند وقف‌نامه سیراف در سال ۲۹۵ هجری قمری، گواهی بر اختصاص درآمد نخلستان‌ها برای تأمین مالی ناوگان‌های تجاری است (Niebuhr, 2021: 36). این امر نشان می‌دهد که چگونه یک عنصر اصلی رژیم غذایی، در ساختارهای اقتصادی و حقوقی جدید اسلامی نیز جایگاه خود را پیدا کرده است.

۵.۲. تحول نمادین: از «درون» تا «بسم‌الله»

در حالی که ماده غذا (ماهی و خرما) ثابت ماند، معنای آن دستخوش تحولی بنیادین شد. مناسک پیش از غذا، که در دوره ساسانی با آیین‌هایی چون «یشت درون» و نیایش ایزدبانوی آب‌ها، آناهیتا، همراه بود، در دوره اسلامی جای خود را به ذکر «بسم‌الله» داد. این تغییر، صرفاً جایگزینی واژگان نبود، بلکه نشان‌دهنده گذاری عمیق از جهان‌بینی‌ای بود که نیروهای طبیعت را تقدیس می‌کرد، به جهان‌بینی توحیدی که تسلیم در برابر امر متعالی را در مرکز قرار می‌داد. ابزارهای آیینی مانند قاشق‌های نقره‌ای که با آیین آناهیتا مرتبط بودند، جای خود را به سنت نبوی استفاده از دست راست برای غذا خوردن دادند.



این بازآرایی نمادین، در مفهوم «حلیت» نیز خود را نشان داد و به عرصه مذاکره و چالش بدل شد. این موضوع در مطالعه موردی زیر به خوبی قابل مشاهده است.

مطالعه موردی در باب مذاکره: وضعیت حلیت کوسه

یکی از جالبترین نمونه‌های تعامل میان فرهنگ محلی و فقه اسلامی، موضوع مصرف ماهیان بی‌فلس، به‌ویژه کوسه، است. در حالی که بسیاری از فقهای شیعه، مانند علامه حلی، مصرف این نوع آبزیان را حرام می‌دانستند، گزارش‌های جغرافی‌دانان و سفرنامه‌نویسان، مانند ابن بطوطه (ج ۱/۲۹۷)، حاکی از تداوم مصرف گسترده آن در میان دریانوردان و جوامع ساحلی خلیج فارس است. این تضاد، یک نمونه کوچک و درخشان از کل فرآیند تطبیق فعالانه است. در این جا، الزام مادی (کوسه منبع پروتئین فراوان و در دسترس است) با یک نظام نمادین جدید (دسته‌بندی‌های فقهی حلال و حرام) برخورد می‌کند.

پاسخ دریانوردان به این تضاد، نه نفی کامل فقه و نه دست کشیدن از منبع غذایی حیاتی‌شان بود، بلکه نوعی مقاومت روزمره و بازتفسیر خلاقانه بود. آن‌ها با ابداع نام «گوسفند دریا» برای کوسه، این حیوان را از نظر مفهومی از دسته «آبزیان مشکوک» خارج کرده و به دسته «حیوانات حلال» نزدیک می‌کردند (مستندسازی میدانی از آیین‌های بندر کنگ، نوربخش، ۱۳۷۰). این عمل، نمونه‌ای از «سلاح‌های ضعفا» به تعبیر جیمز اسکات (۱۹۸۵: ۸۸) است؛ یک راهبرد زبانی هوشمندانه که به آن‌ها اجازه می‌داد تا ضمن حفظ ظاهر احترام به هنجارهای دینی جدید، به شیوه زندگی آزموده‌شده و منطبق بر واقعیت‌های زیستی خود ادامه دهند. این نشان می‌دهد که تحول فرهنگی، یک فرآیند تحمیلی از بالا به پایین نیست، بلکه یک مذاکره مداوم میان نخبگان و توده‌هاست.

۵.۳. غذا به عنوان ابزار تجارت و دیپلماسی

فرهنگ غذایی دریانوردان صرفاً برای بقا نبود، بلکه ابزاری کارآمد در شبکه‌های تجاری و دیپلماسی دریایی نیز محسوب می‌شد. دادوستدهای فراملی، ذائقه جهانی‌شده‌ای را برای این جوامع به ارمغان آورد. کشف ذرات فلفل سیاه در تحلیل شیمیایی جرم دندان‌های اسکلت‌های یافت‌شده در سیراف، گواهی ملموس بر مصرف روزمره ادویه‌هایی است که از هند وارد می‌شدند (Niebuhr, 2021: 93). این شبکه‌های تجاری، مثلثی از مبادلات را شکل داده بودند: کشمش و انجیر از فارس به هند، فلفل و زنجبیل از هند به چین، و ابریشم و ظروف چینی در مقابل به بنادر ایران بازمی‌گشت (مسعودی، ۱۳۶/۱).

غذا همچنین نقشی کلیدی در ایجاد اعتماد و تسهیل روابط تجاری داشت. در کتاب عجایب الهند، رامهرمزی نقل می‌کند که چگونه ناخدایی به نام شهریار، از بازرگانان چینی با غذاهایی چون «ماهی برگی و زنجبیل» پذیرایی می‌کرد. این مهمانی‌ها صرفاً برای ضیافت نبود، بلکه تاکتیکی برای جلب اعتماد، ایجاد روابط شخصی و دستیابی به اطلاعات ارزشمندی مانند نقشه‌های مسیرهای تجاری و زمان وزش بادهای موسمی بود (رامهرمزی، ۶۱). در جهانی که فاقد نهادهای حقوقی بین‌المللی بود، اعتماد شخصی و روابط انسانی، شالوده تجارت را تشکیل می‌داد و غذا، زبان مشترک ایجاد این اعتماد بود.

۶. پزشکی دریایی به مثابه دانش ترکیبی

حوزه پزشکی، دومین مطالعه موردی است که الگوی تطبیق فعالانه را به وضوح نشان می‌دهد. پزشکی دریاوردان ایرانی، دانشی پویا و ترکیبی بود که در آمیزش سنت‌های کهن ساسانی با پارادایم‌های نوین اسلامی و بر پایه تجربیات عینی و نیازهای موقعیتی دریا تکامل یافت. این دانش، نه در مراکز علمی رسمی، که در عرشه کشتی‌ها و بنادر دورافتاده زاده می‌شد.

۶.۱. از آسیب اهریمنی تا عدم تعادل اخلاط

در هسته این نظام پزشکی، تحولی ژرف در درک نظری بیماری‌ها رخ داد. در جهان بینی زرتشتی دوره ساسانی، بیماری اغلب به‌عنوان تهاجم یک نیروی اهریمنی به بدن انسان نگریسته می‌شد، چنان‌که در متون پهلوی مانند بندهش بازتاب یافته است (بندهش، فصل ۵). روش‌های درمانی نیز گاه با این انگاره مرتبط بود، مانند «آتش‌درمانی» که برای دفع نیروی شر به کار می‌رفت.

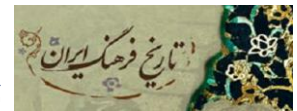
در دوران اسلامی، با گسترش طب جالینوسی-یونانی، این انگاره‌ها به تدریج در قالب مفاهیم «اخلاط چهارگانه» (سودا، صفرا، بلغم و دم) بازتعریف شدند. بیماری دیگر نتیجه تهاجم اهریمن نبود، بلکه حاصل عدم تعادل این اخلاط در بدن بود، مفهومی که در آثاری چون قانون ابن سینا به اوج خود رسید. این گذار، نه نفی کامل سنت پیشین، که بازآفرینی مفهومی آن بود. برای مثال، «اهریمن سردی» که در متون پهلوی عامل برخی بیماری‌ها بود، به «مزاج سرد» یا غلبه بلغم در طب اسلامی بدل شد و روش‌های درمانی مانند آتش‌درمانی، جای خود را به تجویز داروهای «گرمابخش» داد. این بازآرایی نظری، به دانش پزشکی اجازه داد تا خود را با چارچوب مفهومی مسلط جدید هماهنگ کند، بدون آنکه لزوماً کارایی عملی خود را از دست بدهد (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۲-۴۶؛ دینکرد، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۶۰).

۶.۲. دارونامه دریا: تداوم در عمل

علی‌رغم تحول در لایه نظری، در لایه کاربست عملی و داروشناسی، شاهد تداوم چشمگیری در بهره‌گیری از مواد دارویی بومی و وارداتی هستیم. بسیاری از گیاهان و مواد معدنی که در طب ساسانی کاربرد داشتند، با توجیهی جدید در طب اسلامی نیز به کار خود ادامه دادند. این تداوم، ریشه در کارایی تجربی این مواد داشت که در آزمون زمان و در شرایط سخت دریا به اثبات رسیده بود.

جدول زیر این سنتز و تداوم را در دارونامه دریایی نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که چگونه یک ماده مشخص، با حفظ کاربرد عملی خود، در چارچوب‌های نظری متفاوتی توجیه شده و شواهد باستان‌شناختی نیز این تداوم مادی را تأیید می‌کند.

ماده	کاربرد ساسانی	تطبیق اسلامی	شواهد
	(منبع)	(منبع)	باستان‌شناختی



هاون‌های مرواریدساب در سیراف	تقویت قلب (جرجانی، ۱۳۵۵: ۶۹)	تصفیه خون (دانشنامه پزشکی پهلوی)	پودر مروارید
بقایای گیاه در کشتی غرق‌شده	درمان تب‌های نوبه (ابن سینا، ۱۳۹۷: ج ۶۹/۳)	ضد عفونی کننده زخم (ارداویراف‌نامه)	صبر سقطری
فسیل در گورستان‌های بندری	مرهم مفاصل (ابن سینا، ج ۹۶/۳)	درمان روماتیسم (بندهش)	خارخسک دریایی

این تداوم مادی، گواهی بر این است که دانش تجربی و انباشته، در برابر تغییرات ایدئولوژیک مقاومت می‌کند. دریانوردان و پزشکان محلی، به استفاده از داروهایی که کارایی آن‌ها را در عمل دیده بودند ادامه می‌دادند، حتی اگر توجیه نظری آن تغییر کرده بود.

۶.۳. دریانوردان به‌عنوان حاملان دانش

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، به چالش کشیدن الگوی مرکز-پیرامون در تاریخ انتقال دانش است. روایت سنتی، مسیر دانش را از مراکز بزرگ علمی مانند جندی‌شاپور و بغداد به سایر نقاط جهان اسلام ترسیم می‌کند. اما شواهد نشان می‌دهد که دریانوردان، خود شبکه‌ای زنده، غیررسمی و بسیار کارآمد برای انتقال و حتی تولید دانش پزشکی در سراسر اقیانوس هند تشکیل داده بودند.

آن‌ها نه تنها ناقلان منفعل، که مبدعان دانش نیز بودند. برای مثال، استفاده از «تمر هندی» برای مقابله با بیماری اسکوربوت (کمبود ویتامین C)، که ابن بطوطه (۱۳۶۱: ج ۲/۲۶۵) شخصاً تأثیر آن را در سفرش به مالدیو آموذ، نمونه‌ای از دانشی است که در بستر تجربی سفرهای دریایی توسعه یافت. تحلیل‌های بیوشیمیایی امروزی نیز ترکیب ویتامین C و اسید تارتاریک موجود در این میوه را به‌عنوان درمانی مؤثر تأیید کرده‌اند.

حتی روش‌های به‌ظاهر شگفت‌انگیز و غیرعلمی که در متونی چون عجایب الهند رامهرمزی (۱۳۴۸: ۱۳۷) ثبت شده، گاه ریشه‌های تجربی عمیقی داشته‌اند. گزارش استفاده از «عروس دریایی زنده» برای پانسمان زخم‌های عفونی، که در نگاه اول خرافی به نظر می‌رسد، امروزه با کشف خواص آنتی‌بیوتیکی در ترشحات گونه‌ای خاص از عروس دریایی، توجیه علمی یافته است (Pan-Montojo, 2023: 78). این موارد نشان می‌دهد که دریانوردان، آزمایشگرانی تجربی بودند که دانش پزشکی را در عمل و از طریق آزمون و خطا غنی می‌ساختند. این شبکه غیررسمی، دانش پزشکی را از سواحل خلیج فارس تا هند، سریلانکا و حتی گوانگژو در چین گسترش می‌داد و نظریه‌های مرسوم درباره رابطه مرکز و پیرامون در تاریخ علم اسلامی را به چالش می‌کشد.



۷. بحث: نظریه پردازی «تطبیق فعالانه»

تحلیل یافته‌های مربوط به فرهنگ تغذیه و پزشکی، ما را به ارائه یک الگوی نظری برای فهم فرآیند گذار تمدنی در جوامع ساحلی خلیج فارس رهنمون می‌شود. این الگو، که «تطبیق فعالانه» نامیده شده، فراتر از دوگانه‌های ساده‌انگارانه «گسست» یا «تداوم» عمل می‌کند و بر پایه تعامل پویا میان الزامات اکولوژیک، سرمایه فرهنگی ساسانی و چارچوب‌های نوین اسلامی شکل گرفته است.

ناهمگونی تحول فرهنگی

هسته اصلی این الگو، درک این نکته است که لایه‌های مختلف فرهنگ با سرعت‌ها و شیوه‌های متفاوتی تغییر می‌کنند. این ناهمگونی، کلید فهم پیچیدگی گذار است.

لایه با لختی بالا (مادی و عملکردی): شیوه‌ها و فناوری‌هایی که مستقیماً با بقای اکولوژیک و کارایی اقتصادی مرتبط بودند (مانند فنون حفظ غذا، اصول کشتی‌سازی و دانش نوبری) تداوم بسیار بالایی از خود نشان دادند. این شیوه‌ها محصول صدها سال تجربه و آزمون در محیط خشن خلیج فارس بودند و کارایی آن‌ها در عمل به اثبات رسیده بود. دست کشیدن از این دانش انباشته، به معنای به خطر انداختن بقا و تجارت بود. بنابراین، این لایه از فرهنگ دارای «لختی» یا اینرسی بالایی بود و در برابر تغییر مقاومت می‌کرد. تداوم الگوی غذایی ماهی و خرما یا اصول ساخت کشتی به روش سیرافی، نمونه‌هایی از این لختی فرهنگی هستند.

لایه با انعطاف‌پذیری بالا (نمادین و ایدئولوژیک): در مقابل، آیین‌ها، باورها، توجیه‌های نظری و نشانه‌های اجتماعی، انعطاف‌پذیری بسیار بیشتری داشتند. بازآرایی این لایه برای هماهنگی با قدرت هژمونیک جدید (اسلام) از نظر اجتماعی و سیاسی سودمند بود. جایگزینی نیایش آناهیتا با ذکر «بسم‌الله» یا بازتفسیر علت‌شناسی بیماری‌ها در چارچوب طب اخلاقی، به جوامع ساحلی اجازه می‌داد تا هویت خود را در نظم جدید بازتعریف کنند و مشروعیت یابند، بدون آنکه شیوه‌های عملی و حیاتی زندگی خود را به خطر اندازند.

سازوکار: تجربه‌گرایی انطباقی

سازوکاری که این دو لایه را به هم پیوند می‌داد، می‌توان «تجربه‌گرایی انطباقی» نامید. این راهبرد عبارت است از حفظ هسته تجربی و کارآمد یک شیوه، و در عین حال، تطبیق پوسته تفسیری یا نمادین آن با چارچوب‌های مفهومی جدید. برای مثال، داروی گیاهی که در دوره ساسانی برای دفع «دیو بیماری» به کار می‌رفت، در دوره اسلامی نیز برای درمان همان بیماری استفاده می‌شد، اما این بار با این توجیه که «مزاج گرم» آن، «مزاج سرد» بیماری را خنثی می‌کند. هسته تجربی (این

¹Adaptive Empiricism



گیاه این بیماری را درمان می‌کند) حفظ شده، اما پوسته نظری آن تغییر کرده است. این سازوکار به جوامع اجازه می‌داد تا همزمان از مزایای دانش انباشته و انطباق با نظم جدید بهره‌مند شوند.

زمینه تطبیقی

این الگو در مقایسه با سایر الگوهای تلفیق فرهنگی در تاریخ جهان، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. برای نمونه، در ژاپن دوره میجی، مدرنیزاسیون تحت شعار «روح ژاپنی، فن غربی» پیش رفت که در آن، فناوری غربی به صورت آگاهانه وارد و با ارزش‌های فرهنگی ژاپنی تلفیق شد. در آمریکای لاتین، شاهد تلفیق آیین‌های بومی با کاتولیسیسم اسپانیایی بودیم. وجه تمایز مورد ایران در خلیج فارس، نقش محوری و تعیین‌کننده بوم‌شناسی به‌عنوان لنگرگاه اصلی برای لایه «با لختی بالا» است. در حالی که در ژاپن، فناوری وارداتی بود و در آمریکای لاتین، مقاومت فرهنگی عمدتاً در حوزه نمادین رخ می‌داد، در جهان دریایی ایران، دانش بومی و منطبق بر اکولوژی، شالوده تداوم را تشکیل می‌داد. این یافته، نظریه پاتریشیا کرون را که بر گسست دانش دریایی پس از اسلام تأکید داشت، با شواهد متقن به چالش می‌کشد.

۸. نتیجه‌گیری

تحلیل فرآیند گذار تمدنی در جوامع ساحلی خلیج فارس، الگویی پیچیده و چندلایه از تعامل میان سنت و نوآوری را آشکار می‌سازد که فراتر از دوگانه‌های ساده‌انگارانه عمل می‌کند. این پژوهش نشان داد که گذار از عصر ساسانی به دوران اسلامی در این منطقه، نه با گسست کامل و نه با تداوم صرف، بلکه با فرآیندی هوشمندانه از «تطبیق فعالانه» مشخص می‌شود. این فرآیند با ناهمگونی میان لایه‌های مختلف فرهنگ تعریف می‌شود: در سطح مادی، شاهد تداوم چشمگیر فنون حیاتی و آزموده‌شده‌ای بودیم که ریشه در الزامات اکولوژیک داشتند؛ در مقابل، سطح نمادین، تحولات بنیادینی را برای هماهنگی با نظم جدید تجربه کرد.

این یافته‌ها، بنیان‌های تاریخ‌نگاری کلاسیک را به چالش می‌کشد. نظریه «گسست تمدنی» هاجسن، در برابر تداوم چشمگیر فناوری‌های دریایی و واژگان نوبری پهلوی در متون اسلامی رنگ می‌بازد. همان‌گونه که فرضیه «استمرار» شهبازی، با دگرگونی عمیق در آیین‌ها و نمادهای دینی ناسازگار است. در واقع، دریانوردان ایرانی نه قربانیان منفعل تاریخ، که کنشگرانی خلاق و هوشمند بودند. آن‌ها واسطه‌های دانشی بودند که گیاهان دارویی و فنون پزشکی را در سراسر اقیانوس هند گسترش دادند؛ مهندسان اجتماعی بودند که نهادهای نوینی مانند وقف دریایی را برای تأمین مالی تجارت ابداع کردند؛ و معماران هویتی بودند که فرهنگی ترکیبی و جهان‌وطنی را در بنادر خلیج فارس پدید آوردند. این نقش‌آفرینی، روایت مرکزگرایی تاریخ را وارونه می‌سازد و نشان می‌دهد که کانون‌های نوآوری، نه لزوماً در مراکز سیاسی مانند اصفهان یا بغداد، بلکه در حاشیه‌های اکولوژیک مانند سواحل نیز می‌توانستند شکل بگیرند.

چارچوب نظری «تجربه‌گرایی انطباقی» که از این مطالعه استخراج شده، مدلی برای فهم چگونگی بقا و شکوفایی دانش بومی در مواجهه با نظام‌های معرفتی جدید و مسلط ارائه می‌دهد. این الگو که بر انعطاف‌پذیری نمادین، تاب‌آوری مادی و

¹ Wakon-Yōsai

سرمایه‌گذاری شبکه‌ای استوار است، نشان می‌دهد که چگونه محدودیت‌های محیطی می‌توانند به موتور محرکه نوآوری بدل شوند.

امروزه، درس‌های این الگوی تاریخی می‌تواند چراغ راه مواجهه با چالش‌های معاصر باشد. مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی در خلیج فارس، می‌تواند از سازوکار انطباق اکولوژیک و دانش بومی که جوامع تاریخی این منطقه به کار می‌گرفتند، الهام بگیرد.^۱ به‌طور گسترده‌تر، این یافته‌ها ما را به بازتعریف تمدن ایرانی به‌مثابه شبکه‌ای فراملی و دریامحور فرامی‌خواند که گفتمان‌های سنتی خشکی‌محور را به نقد می‌کشد. سرانجام، این پژوهش نشان می‌دهد که تمدن‌ها نه می‌میرند، بلکه در تقاطع‌های عقلانی و الزامات اکولوژیک، با تغییر ریخت به حیات خلاقانه خود ادامه می‌دهند.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

۱. ابن بطوطه. ۱۳۶۱. سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ابن بلخی. ۱۳۸۵. فارسنامه. به کوشش گای لسترنج و رینولد الین نیکلسون. تهران: اساطیر.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۳۹۷. القانون فی الطب: الكتاب الاول فی الامور الکلیه من علم الطب. تصحیح ن. حبیبی. بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا.
۴. اصطخری، ابواسحق ابراهیم. ۱۳۹۷. مسالک و الممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
۵. بهار محمدتقی. ۱۳۶۹. بندهشن: فرنبغ دادگی. تهران: توس.
۶. جرجانی، اسماعیل بن حسن. ۱۳۵۵. ذخیره خوارزمشاهی. تصحیح س. سیرجانی. بنیاد فرهنگ ایران.
۷. دادگی، فرنبغ. ۱۳۹۰. بندهش. ترجمه م. بهار. چاپ چهارم. تهران: توس.
۸. رامهرمزی، بزرگ بن شهریار. ۱۳۴۸. عجایب هند. ترجمه محمد ملک‌زاده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۹. قزوینی، زکریا بن محمد. ۱۳۷۳. آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه با اضافات جهانگیر میرزا قاجار. تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۰. کتاب سوم دینکرد. ۱۳۸۴. ترجمه فریدون فضیلت، تهران: مهرآیین.
۱۱. لسترنج، گای. ۱۳۷۳. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: امیرکبیر.
۱۲. مسعودی، علی بن حسین. ۱۳۴۴. مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. نشأت، صادق. ۱۳۴۴. تاریخ سیاسی خلیج فارس. بی‌جا: شرکت نسبی کانون کتاب.
۱۴. نوربخش، حسین. ۱۳۷۰. پژوهشی پیرامون صید، دریا و آبریزان خلیج فارس. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

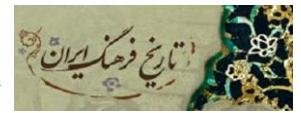


۱۵. وندیداد. ۱۳۶۱. ترجمه محمدعلی حسینی داعی الاسلام. تهران: دانش.

16. Al-Tabarī, A. J. M. b. J. 1985-2007. *The history of al-Tabarī* (Vols. 1-40). State University of New York Press.
17. Braudel, F. 1972/1973. *The Mediterranean and the Mediterranean world in the age of Philip II* (Sian Reynolds, Trans.). New York: Harper & Row. (Original work published 1949)
18. Chaudhuri, K. N. 1985. *Trade and civilisation in the Indian Ocean: An economic history from the rise of Islam to 1750*. Cambridge University Press.
19. Daryaei, T. 2003. The Persian Gulf in Late Antiquity. *Journal of World History*, 14(1), 1-16.
20. Elgood, C. 1951. *A medical history of Persia and the eastern caliphate: From the earliest times until the year A.D. 1932*. Cambridge University Press.
21. Goitein, S. D. 1967-1993. *A Mediterranean society: The Jewish communities of the Arab world as portrayed in the documents of the Cairo Geniza* (Vols. 1-6). University of California Press.
22. Gutas, D. 1998. *Greek thought, Arabic culture: The Graeco-Arabic translation movement in Baghdad and early 'Abbasid society (2nd-4th/8th-10th centuries)*. Routledge.
23. Hall, S. 1990. Cultural identity and diaspora. In J. Rutherford (Ed.), *Identity: Community, culture, difference* (pp. 222-237). Lawrence & Wishart.
24. Hodgson, M. G. S. 1974. *The venture of Islam: Conscience and history in a world civilization* (Vols. 1-3). University of Chicago Press.
25. King, D. A. 2004. *In synchrony with the heavens: Studies in astronomical timekeeping and instrumentation in medieval Islamic civilization* (Vols. 1-2). Brill.
26. Niebuhr, R. 2021. *Biomolecular analysis of Sasanian dental calculus from the port of Siraf*. Max Planck Institute for the Science of Human History, Department of Archaeogenetics.
27. Pan-Montojo, J. 2023. Marine bioprospecting in medieval Indian Ocean trade: The evidence from jellyfish-based antibiotics. *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 66(3-4), 210-245.
28. Petrovsky, E. 2005. *Salt production in Persian Gulf archaeology: A study of the Kish Island sites*. University of Warsaw Press.
29. Priestman, S. 2021. *Sasanian and Islamic settlement and ceramics in Southern Iran (4th to 17th Century AD): The Williamson Collection Project*. British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series. Archaeopress.
30. Scott, J. C. 1985. *Weapons of the weak: Everyday forms of peasant resistance*. Yale University Press.
31. Shabbazi, A. S. 2002. The fall of the Sasanians and the end of late antiquity: Historiographical problems. *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 26, 89-112.
32. Skocpol, T. 1979. *States and social revolutions: A comparative analysis of France, Russia, and China*. Cambridge University Press.
33. Tafazzoli, A. 2000. *Sasanian society: Warriors, scribes, dehqāns*. Bibliotheca Persica Press.
34. Whitehouse, D. 1974. Excavations at Sīrāf: Sixth interim report. *Iran*, 12, 1-30.
35. Ibn Battūṭah. 1361. *Safarnameh of Ibn Battūṭah*. Translated by Mohammad-Ali Movahed. Tehran: Markaz for Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
36. Ibn Balkhī. 1385. *Fārsnāmeḥ*. Edited by Guy Le Strange and Reynold A. Nicholson. Tehran: Asātir. (In Persian)
37. Ibn Sīnā (Ḥusayn ibn 'Abdallāh). 1397. *Al-Qānūn fī al-Ṭibb: al-Kitāb al-Awwal fī al-Umūr al-Kullīyah min 'Ilm al-Ṭibb*. Edited by N. Ḥabībī. Bu'ī Sīnā Scientific & Cultural Foundation. (In Persian)
38. al-Iṣṭakhrī (Abū Ishāq Ibrāhīm). 1397. *Masālik wa-al-Mamālik*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Afshar Endowments Foundation. (In Persian)
39. Bahār, Mohammad-Taḳī. 1369. *Bundahishn: Farnbagh Dādagī*. Tehran: Tūs. (In Persian)
40. Jurjānī, Ismā'īl ibn Ḥasan. 1355. *Zakhīreh-ye Khwārazmshāhī*. Edited by S. Sirjānī. Bonyād-e Farhang-e Irān. (In Persian)
41. Dādagī, Farnbagh. 1390. *Bundahishn*. Translated by M. Bahār. 4th ed. Tehran: Tūs. (In Persian)
42. Rām-hermezī (Bozorg ibn Shahriyār). 1348. *'Ajāyeb-e Hind (Wonders of India)*. Translated by Mohammad Malekzādeh. Tehran: Publications of the Foundation of Iranian Culture. (In Persian)



43. Qazwīnī, Zakariyyā ibn Muḥammad. 1373. *Athār al-Bilād wa Akhbār al-'Ibād*. Translated with additions by Jahangir Mirzā Qājār; corrected and completed by Mir-Hāshim Moḥaddes. 1st ed. Tehran: Amīr-Kabīr Publishing Institute. (In Persian)
44. Dēnkard, Book Three. 1384. Translated by Fereydoun Fazīlat. Tehran: Mehrāyin. (In Persian)
45. Le Strange, Guy. 1373. *The Historical Geography of the Lands of the Eastern Caliphate*. Translated by Mahmoud Erfān. Tehran: Amīr-Kabīr. (In Persian)
46. al-Mas'ūdī, 'Alī ibn Ḥusayn. 1344. *Murūj al-Dhahab wa Ma'ādin al-Jawhar*. Translated by Abolqāsem Pāyandeh. Vol. 1. Tehran: Book Translation & Publishing Institute. (In Persian)
47. Nash'at, Šādiq. 1344. *Political History of the Persian Gulf (Tārīkh-e Sīyāsī-ye Khalīj-e Fārs)*. [No place]: Sherkat-e Nesbī-ye Kānūn-e Ketāb. (In Persian)
48. Nourbakhsh, Ḥusayn. 1370. *A Study on Fishing, the Sea and Marine Life of the Persian Gulf*. 1st ed. Tehran: Amīr-Kabīr Publishing Institute. (In Persian)
49. Vendīdād (Vandidad). 1361. Translated by Mohammad-Ali Ḥasanī Dā'ī-al-Eslām. Tehran: Dānesh. (In Persian)
50. Al-Tabarī, A. J. M. b. J. 1985-2007. *The history of al-Tabarī* (Vols. 1-40). State University of New York Press.
51. Braudel, F. 1972/1973. *The Mediterranean and the Mediterranean world in the age of Philip II* (Sian Reynolds, Trans.). New York: Harper & Row. (Original work published 1949)
52. Chaudhuri, K. N. 1985. *Trade and civilisation in the Indian Ocean: An economic history from the rise of Islam to 1750*. Cambridge University Press.
53. Daryae, T. 2003. The Persian Gulf in Late Antiquity. *Journal of World History*, 14(1), 1-16.
54. Elgood, C. 1951. *A medical history of Persia and the eastern caliphate: From the earliest times until the year A.D. 1932*. Cambridge University Press.
55. Goitein, S. D. 1967-1993. *A Mediterranean society: The Jewish communities of the Arab world as portrayed in the documents of the Cairo Geniza* (Vols. 1-6). University of California Press.
56. Gutas, D. 1998. *Greek thought, Arabic culture: The Graeco-Arabic translation movement in Baghdad and early 'Abbasid society (2nd-4th/8th-10th centuries)*. Routledge.
57. Hall, S. 1990. Cultural identity and diaspora. In J. Rutherford (Ed.), *Identity: Community, culture, difference* (pp. 222-237). Lawrence & Wishart.
58. Hodgson, M. G. S. 1974. *The venture of Islam: Conscience and history in a world civilization* (Vols. 1-3). University of Chicago Press.
59. King, D. A. 2004. *In synchrony with the heavens: Studies in astronomical timekeeping and instrumentation in medieval Islamic civilization* (Vols. 1-2). Brill.
60. Niebuhr, R. 2021. *Biomolecular analysis of Sasanian dental calculus from the port of Siraf*. Max Planck Institute for the Science of Human History, Department of Archaeogenetics.
61. Pan-Montojo, J. 2023. Marine bioprospecting in medieval Indian Ocean trade: The evidence from jellyfish-based antibiotics. *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 66(3-4), 210-245.
62. Petrovsky, E. 2005. *Salt production in Persian Gulf archaeology: A study of the Kish Island sites*. University of Warsaw Press.
63. Priestman, S. 2021. *Sasanian and Islamic settlement and ceramics in Southern Iran (4th to 17th Century AD): The Williamson Collection Project*. British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series. Archaeopress.
64. Scott, J. C. 1985. *Weapons of the weak: Everyday forms of peasant resistance*. Yale University Press.
65. Shahbazi, A. S. 2002. The fall of the Sasanians and the end of late antiquity: Historiographical problems. *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 26, 89-112.
66. Skocpol, T. 1979. *States and social revolutions: A comparative analysis of France, Russia, and China*. Cambridge University Press.
67. Tafazzoli, A. 2000. *Sasanian society: Warriors, scribes, dehqāns*. Bibliotheca Persica Press.
68. Whitehouse, D. 1974. Excavations at Sīrāf: Sixth interim report. *Iran*, 12, 1-30.



آوانگاری منابع فارسی

1. Ibn Battūtah. (1361). *Safarnāmeḥ of Ibn Battūtah* (M. A. Movahed, Trans.). Tehran: Markaz for Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
2. Ibn Balkhī. (1385). *Fārsnāmeḥ* (G. Le Strange & R. A. Nicholson, Eds.). Tehran: Asātir. (In Persian)
3. Ibn Sīnā, Ḥ. b. ‘Abdallāh. (1397). *Al-Qānūn fī al-Ṭibb: al-Kitāb al-Awwal fī al-Umūr al-Kullīyah min ‘Ilm al-Ṭibb* (N. Ḥabībī, Ed.). Bu ‘lī Sīnā Scientific & Cultural Foundation. (In Persian)
4. al-Iṣṭakhrī, A. I. (1397). *Masālik wa-al-Mamālik* (I. Afshar, Ed.). Tehran: Afshar Endowments Foundation. (In Persian)
5. Bahār, M.-T. (1369). *Bundahishn* (F. Dādagī, Ed.). Tehran: Tūs. (In Persian)
6. Jurjānī, I. b. Ḥ. (1355). *Zakhīreh-ye Khwārazmshāhī* (S. Sirjānī, Ed.). Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. (In Persian)
7. Dādagī, F. (1390). *Bundahishn* (M. Bahār, Trans.; 4th ed.). Tehran: Tūs. (In Persian)
8. Rām-hermezī, B. b. Sh. (1348). *‘Ajāyeb-e Hind* (M. Malekzādeh, Trans.). Tehran: Publications of the Foundation of Iranian Culture. (In Persian)
9. Qazwīnī, Z. b. M. (1373). *Athār al-Bilād wa Akhbār al-‘Ibād* (with additions by J. M. Qājār; corrected by M.-H. Moḥaddes). Tehran: Amīr-Kabīr Publishing Institute. (In Persian)
10. *Dēnkard, Book Three*. (1384). (F. Fazīlat, Trans.). Tehran: Mehrāyin. (In Persian)
11. Le Strange, G. (1373). *The Historical Geography of the Lands of the Eastern Caliphate* (M. Erfan, Trans.). Tehran: Amīr-Kabīr. (In Persian)
12. al-Mas‘ūdī, ‘A. b. Ḥ. (1344). *Murūj al-Dhahab wa Ma‘ādin al-Jawhar*, Vol. 1 (A. Pāyandeh, Trans.). Tehran: Book Translation & Publishing Institute. (In Persian)
13. Nash‘at, Ş. (1344). *Political History of the Persian Gulf (Tārīkh-e Sīyāsī-ye Khalīj-e Fārs)*. [No place]: Sherkat-e Nesbī-ye Kānūn-e Ketāb. (In Persian)
14. Nourbakhsh, Ḥ. (1370). *A Study on Fishing, the Sea and Marine Life of the Persian Gulf* (1st ed.). Tehran: Amīr-Kabīr Publishing Institute. (In Persian)